

## تعریف نظری گردشگری و نقش آن در ایجاد صلح و کامیابی

سید عبدالله اکبر<sup>۱</sup>

براساس مفاهیم موجود در فرهنگ لغت ، گردشگری به معنای انجام سفر جهت برخورداری از لذت است ، این واژه ضمناً مفهوم انجام خدمات و معاملات تجاری ، اقتصادی تورگردانی برای جهانگردان را در خود جای داده است . طبق اعتقاد بسیاری از مردم گردشگری نوعی خدمات صنعتی است که وظیفه‌اش مراقبت از گردشگر به هنگام دور شدن از محل زندگی خود است.<sup>(۱)</sup> برخی از پژوهشگران این حوزه تعریف گردشگری را صرفاً دور شدن چند کیلومتری گردشگر از محل زندگی خود و سپری کردن شب در اقامتگاه‌ها و یا انجام سفر جهت استراحت و تفریح محدود ساخته‌اند.<sup>(۲)</sup> برخی دیگر معنای گسترده‌تری از گردشگری و یا صنایع مربوط به خدمات رسانی به گردشگر را عنوان کرده‌اند . از دیدگاه کلر گان ، جهانگردی همه گونه سفر بجز سفر مربوط به نقل مکان دائمی را دربر می‌گیرد،<sup>(۳)</sup> دیوید سان گردشگری را حرکت مردم از محل عادی زندگی خود برای انجام تجارت ، تفریح و یا دلائل شخصی به محل دیگر عنوان نموده است.<sup>(۴)</sup> بطور کلی گردشگری تعریفی پیچیده و دشوار دارد. برای مثال گان معتقد است گردشگری همه سفرها به استثنای جابجایی و یا نقل مکان دائمی را شامل می‌شود؛ چنین تعریفی هرگونه خروج از محل سکونت جهت تفریح و سرگرمی و انجام سفر را وارد دایره گردشگری می‌نماید . در این تعریف ، تفاوتی بین گردشگری و شکل‌های دیگر حرکت وجود ندارد . یکی دیگر از تعاریف گردشگری به این نکته اشاره می‌کند که گردشگری سفری است که گردشگر از محل سکونت خود بمنظور تفریح و تفرّج دور می‌شود و لذا گردشگری مجموعه‌ای از تفریح و تفرّج است. کلی در ارتباط با این موضوع می‌نویسد «تفریح و تفرّج برپایه حرکت ، مجموعه‌ای از فعالیت‌های دور از محل سکونت است که سفر بخشی از حس لذت جویی در آن بحساب می‌آید» . در اینجا ابهاماتی بنظر می‌رسد

---

۱. محقق مرکز مطالعات خلیج فارس و خاورمیانه.

که مشخص نیست «بیرون از محل سکونت» بمعنای بیرون درب منزل و تفریح کردن روزانه با حداقل بعد مسافت است و یا اقامت حداقل یک شبانه روز در محلی خارج از محل سکونت دائمی را نیز شامل می شود. از دیگر تعاریف عنوان شده گردشگری، مربوط به تعریف سازمان جهانی گردشگری است که بموجب آن گردشگری شامل هرگونه سفر است که حداقل آن یک شب اقامت و حداکثر آن کمتر از یکسال باشد. چنین تعریفی بیشتر به فاصله زمانی حرکت اشاره دارد تا انگیزه های حرکت و از آنجائیکه قابلیت اندازه گیری دارد مطلوب می باشد؛ این تعریف در تقابل با تعریف تجربی تفریح است که در ادبیات گردشگری عموماً از آن در موارد زیادی استفاده می شود. از طرف دیگر، در یک حالت کلی اعتقادی به این موضوع وجود ندارد که گردشگری تفریحی را می توان بشکل جداگانه از انواع دیگر گردشگریها نظیر سفرهای تجاری و بازرگانی مورد مطالعه قرار داد. برای مثال، اقتصاد مربوط به سفرهای هوایی و هتلداری صرفاً بر پایه معاملات بازرگانی و تعطیلات گردشگران استوار است. مطالعه ساختار صنعت گردشگری صرفاً از نظر تفریحی و یا جدای از آن نمی تواند مورد بررسی قرار گیرد چرا که انجام سفر با مقاصد و اهداف گوناگون همواره در حال افزایش است؛ از اینرو گردشگرانی که سفرهای بازرگانی انجام می دهند، معمولاً فعالیت های تفریحی را همزمان مد نظر قرار می دهند.

جهانگردی همچنین با مهاجرت موقت به منظور اشتغال نیز در ارتباط است، بعنوان نمونه، یک گردشگر کارگر سفرهای تفریحی خود را براساس اشتغال موقت فصلی، دور از محل سکونت دائمی خود تنظیم می کند. این نکته باعث افزایش مدت زمان سفر خواهد شد. **بل و وارد** راهبردی را برای این مسئله فراهم کرده اند. از نظر آنها گردشگری یکی از اشکال رفت و آمد و یا حرکت موقت مردم است. مهاجرت های موقت و دائم بخشی از تسلسل حرکت انسانها در زمان و مکان است. **بل و وارد** به شاخص های بنیادی حرکت موقت و مهاجرت دائمی تمرکز دارند. در مهاجرت های دائمی الزامی برای بازگشت وجود ندارد و لذا صرفاً یک انتقال صورت می گیرد. در نقطه مقابل، مهاجرت موقت برنامه بازگشت به محل سکونت دائمی داشته و لذا موضوع مدت زمان در آن متغیر و عموماً حرکت ها بشکل متناوب و فصلی است. تفاوت دیگر این است که محل اقامت دائم همواره بعنوان کانون مرکزی مهاجران دائمی قلمداد شده در حالیکه در مورد مهاجرین غیر دائم چنین چیزی وجود ندارد. **بل و وارد** سعی می کنند انواع مختلف حرکت را در دو بُعد فضایی قرار دهند. حرکت های دائمی قابل اندازه گیری با واحد سال بوده که با انگیزه های مختلف و در مقیاس های گوناگون روی می دهد؛ در طرف دیگر

حرکت‌هایی وجود دارند که مشمول اقامت شبانه نبوده و به منظور خرید و یا سفر کوتاه انجام می‌شوند؛ در میان این دو نقطه، اشکال مختلفی از حرکت‌های غیردائمی بسته به مقیاس زمان صورت می‌گیرد که آنها دنباله‌ای از اتصالات ولایه‌ها روی هم قرار گرفته از تنوع کثرت و گسترش فضاییست. به عبارت دیگر، هر یک از این لایه‌ها شکل مختلفی از رفتار حرکت قلمداد می‌شود. در ارتباط با تعاریف گردشگری از نقطه‌نظر انگیزه‌های گردشگر از انجام سفر باید اذعان کرد که سعی و تلاش برای ارائه چنین تعریفی چندان موفقیت‌آمیز نخواهد بود لیکن دو پژوهشگر فوق (بل و وارد) نتیجه می‌گیرند حرکت‌های موقت و دائم هر یک می‌توانند دلائل منطقی خود را داشته باشند. در نهایت بحث حرکت غیر دائم بنوعی در تعریف ترکیبی گردشگری قرار می‌گیرد که از قرار گرفتن در تعاریف دیگر نظیر تعریف اشتغال مفید تر است.

گردشگری یک پدیده اجتماعی است که با فعالیت‌های فرآوری و تولید مرتبط می‌باشد.<sup>(۵)</sup> ارکان اقتصادی تسهیل‌کننده مناسبی برای فعالیت‌ها و تحرکات فرهنگی - اجتماعی و ارتباطات بین مردمی است، ارکان سیاسی نیز از تحولات فرهنگی اجتماعی متأثر هستند. با اینکه هر دولتی برای ارتقاء گردشگری به عامل اقتصادی آن بعنوان یکی از منابع مهم مالی تکیه می‌کند، اما از این صنعت در ایجاد تصمیمات سیاسی دولتها نیز بهره‌برداری می‌شود. برای مثال جهت دستیابی به صلح و آشتی، گردشگری قادر است در سه حوزه سیاسی وارد عمل شود:

۱. توقف جنگ،

۲. رفع خشونت‌های ساختاری،

۳. اطلاع‌رسانی و اقدام برای بهبود وضعیت محیط زیست جهانی.<sup>(۶)</sup>

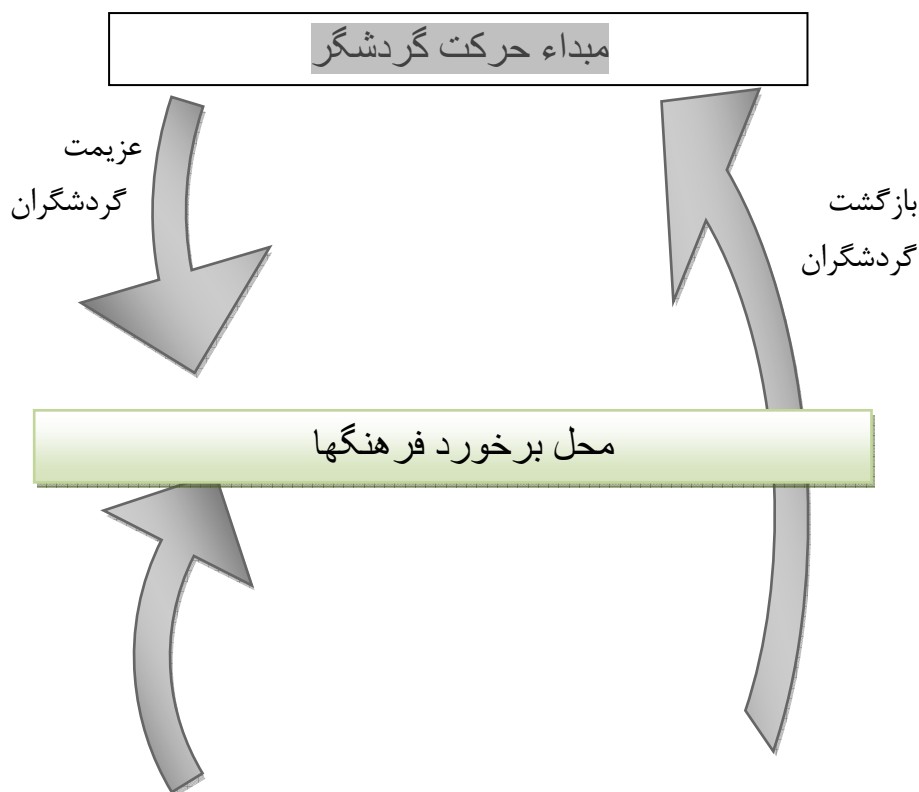
میان گردشگری، تجارت و بازرگانی، دولتها و جوامع مهمان‌پذیر و نیز انسان و طبیعت ارتباط و اثرات متقابل وجود دارد. اگر چه گردشگری در اساس ممکن است از فردی تا فرد دیگر متفاوت باشد، اما بطور کلی همه گردشگران در جستجوی چیزی جدید و متفاوت از آنچه که هر روز با آن روبرو هستند می‌باشند و از آنجایی که گردشگری در ذات خود تجربیات شگرف و ارزشمندی را ارائه می‌کند، گردشگر این تجربه را نمی‌تواند در زندگی عادی خود مشاهده نماید و با توجه به تعریف ارائه شده از جهانگردی، گردشگر مرزهای فرهنگی را بمنظور انجام معاملات بازرگانی، تفریح و یا

لذت جویی درمی نوردد . بنابراین وی با نوعی از ارتباط فرهنگی هرچند بشکل ناپایدار و سطحی روبرو می شود.<sup>(۷)</sup>

گردشگری جنبه های مثبت فراوانی بشکلی که لی از آن بعنوان صنعت امیدبخش یاد می کند ارائه می دهد.<sup>(۸)</sup> با پیامدهای اقتصادی در سطح جهانی ، این حوزه دارای ظرفیت های عظیمی برای ارتقای مبادلات فرهنگی به عنوان وسیله ای برای شکستن موانع میان مردم کشورهای مختلف است که می تواند موجب درک جوامع گوناگون از همدیگر شود.<sup>(۹)</sup>

### فرهنگ جهانی شدن

ماری فرانسواز لانفانت استدلال می کند ، در بحث گردشگری با پدیده های اجتماعی روبرو هستیم که توسط سیستم جدیدی از روابط در کلیه بخشهای فعال جامعه نمایش داده می شود که این روابط تغییرات ساختاری را در کلیه سطوح زندگی اجتماعی دنبال داشته و بطور چشمگیر در همه مناطق جهان تاثیر گذار خواهند بود. در این چارچوب لانفانت منطقه گردشگری موسوم به **یورو دیسنی** را بعنوان نمونه ای از این روند نام می برد . این دلایل با افزایش رشد گردشگری در سطح جهان با اهمیت تر شده اند . اگرچه ماهیت سفرهای گردشگری به انگیزه های گردشگر و آن سازمانی که برنامه سفر را تدارک می بیند مربوط می شود اما بطور اساسی هر سفر نوعی از یک رویارویی فرهنگی می باشد. لیکن پیامد فرهنگی جهانگردی می تواند به چرخش وارونه فرهنگی نیز بیانجامد (شکل زیر).





برای یادگیری انواع غذاهای سنتی ایتالیایی و یا فرانسوی پس از بازدید از این مناطق نوعی از برخورد های فرهنگی می‌باشد. این تصادم فرهنگی تاثیر خود بر جریان زندگی انسانها را بدنبال خواهد داشت.

## مزایای اقتصادی گردشگری

گردشگری می تواند پیامدهای مثبت و زیاد اقتصادی به همراه داشته و بطور مستقیم با اشتغال ، درآمدهای مالیاتی ، بهره و فروش سروکار داشته باشد ، همچنین می‌تواند بعنوان بخشی حیاتی درحوزه هایی نظیر هتلداری ، رستورانها و حمل‌ونقل مداخله نماید. گردشگری در اغلب بخشهای اقتصادی تاثیر گذار است و درآمد های این بخش خود عوامل محرکی در دیگر بخشها خواهند بود که این هم تاثیر ثانویه آن است.<sup>(۱۰)</sup> پیامدهای پنهان دیگری در نتیجه تغییر قیمت ها که در کمیت و کیفیت کالاها و خدمات اثر دارد می تواند نتیجه تاثیرات گردشگری در اقتصاد نیز باشد. بطور کلی چهار پیامد اصلی و مثبت گردشگری به شرح زیر در اقتصاد وجود دارد . اولاً گردشگری موجب رشد مبادلات خارجی شده و موجب افزایش درآمدهای دولت خواهد شد . مصرف کالا توسط گردشگران و صادرات و واردات کالاهای مرتبط و خدمات ، باعث کسب درآمد برای کشور میزبان شده و سرمایه گذاریهای بنیادی در بخشهای دیگر صنعتی را افزایش خواهد داد. مالیات بر درآمد از طریق بازرگانی گردشگری و وصول مستقیم مالیات نظیر مالیاتهای مربوط به عزیمتهای گردشگران از جمله منجر به ایجاد درآمد برای دولتها خواهد بود . دوماً ساکنان دائمی و محلی از تسهیلات و خدمات پیشرفته برای جهانگردان سود خواهند برد.<sup>(۱۱)</sup> زیر ساختارهای اجتماعی که ممکن است از طرق دیگری توسعه نرسیده باشند بوسیله گردشگری ارتقاء می یابند . گردشگری موجب تأسیس فرودگاه ، جاده ، هتل ، رستوران ، ورزشگاه ، حمل و نقل ، بهداشت و بهبود سیستم آب خواهد شد که این عوامل مجموعاً سطح کیفی زندگی ساکنان محلی را افزایش خواهد داد. ثالثاً گردشگری موجب ایجاد اشتغال در سطح نسبتاً بالایی خواهد شد.<sup>(۱۲)</sup> مشاغل فراوانی وجود دارد که بطور مستقیم با موضوع گردشگری در ارتباط است ، برای مثال مشاغلی نظیر انجام امور خدماتی ، فروش کالاهای محلی ، تورگردانی و بسیاری دیگر که بطور غیرمستقیم با بحث گردشگری در ارتباط است.

گردشگری کمک به روند فقرزدایی و توزیع مناسب درآمد در سطح کشورها نموده ولذا منجر به ایجاد توازن در اقتصاد جهانی خواهد شد . بیشتر گردشگران از

کشورهای توسعه یافته هستند که معمولاً از جهت مالی از وضعیت مناسبی برخوردارند ، آنها غالباً به مکانهای مختلف گردشگری در کشورهای کمتر توسعه یافته سفر می کنند . مصرف بوسیله گردشگران کشورهای توسعه یافته در کشورهای در حال توسعه روی می دهد ، از اینرو گردشگری موجب گردش و ریزش پول از طرف افراد ثروتمند به فقرا خواهد شد . توسعه اقتصادی می تواند شکاف اقتصادی عمیق بین میهمانان بازدید کننده و ساکنان مقیم را کمتر نماید . بنابراین ساکنان مقیم میهمانان را بعنوان عوامل پیشرفت فضای خود قلمداد خواهند کرد . مردم بومی نگاه آرامتری نسبت به گردشگران خواهند داشت و تلاش خواهند کرد ضمن برقراری روابط دوستی در مورد آنها بیاموزند . زمانیکه مقصد گردشگری و جامعه مربوط به آن از نظر فن آوری توسعه پیدا کند و شکاف میان بازدید کننده و افراد محلی و بومی کمتر شود ، هر دو طرف احساس هراس کمتری از برخورد بایکدیگر خواهند داشت.<sup>(۱۳)</sup> گردشگری اهمیت بسزائی در فهم متقابل و دیگر پیامدهای فرهنگی دوجانبه مثبت را به همراه دارد .

### مزایای فرهنگی گردشگری

گردشگری می تواند موجب احیای مجدد مناطق فرهنگی و حفظ سنتها گردد . هر چند هنرهای بومی و هنرمندان می توانند در سرگرم ساختن گردشگران مؤثر واقع شوند اما درخواست های زیادی از طرف گردشگران برای حفظ فرهنگ بومی نشینان و یا حیات وحش بعنوان میراثهای ارزشمند وجود دارد.<sup>(۱۴)</sup> مردم بیشتری با فرهنگ بومی آشنا شده و با مزایا و مسائل آن فرهنگ آشنا خواهند شد . توسعه صنایع گردشگری راه مناسبی برای حفظ مدیریت منابع طبیعی ، نگهداری از میراث فرهنگ بومی ، انتقال سنتها و احیای آن به شمار می رود . ثانیاً گردشگری موجب غرور ملی و مداخله برای مدیریت اصولی فضاها و اماکن، روابط میان ساکنین و گردشگران ، کاوشهای هنری و ادبی نیز خواهد شد . عمل انتقال فرهنگ خود به بیگانه نیز این ایده را تقویت می کند که زندگی در میان آن جامعه چه معنا و مفهومی دارد و لذا موجب رشد هویت ، افتخار و همبستگی خواهد شد.<sup>(۱۵)</sup> بعلاوه مداخله جوامع محلی در توسعه گردشگری وضعیت قابل توجهی برای حفظ و استفاده پایدار از امکانات را ارائه می دهد به طوری که این جوامع بعنوان ساکنین محلی دائم بسیار علاقمندتر و پاسخگوتر نسبت به دورنما و چشم اندازهای طولانی مدت منطقه خواهند بود . همچنین گردشگری بعنوان نیرویی

جهت ایجاد انگیزه برای رشد و حفظ غرور و افتخار محسوب می‌شود. گردشگرانی که زمان و پول کافی برای تفریح و تفرج دارند عاملی برای رشک و حسد افراد بومی خواهند شد. چنین وضعیتی در میان جامعه فقرا ممکن است در آنها ایجاد انگیزه برای کار بیشتر و بدست آوردن مهارت های لازم تا رسیدن به سطح زندگی یک گردشگر نماید. در آخر گردشگری می تواند وسیله ای برای کاهش تنش و هماهنگی در روابط افراد شود. آن می تواند مردم را به برقرار نمودن ارتباط بایکدیگر ترغیب و ایجاد تبادل فرهنگی میان گردشگر و میهمان پذیر نماید. این خود فرصت‌یست برای افراد که اطلاعات را بطور مستقیم از اماکنی که بازدید می کنند کسب نمایند. در واقع گردشگری وسیله ایست آموزشی برای پرورش شناخت مردم و فرهنگ‌ها، بطوریکه مردمان بیشتری از وضعیت یکدیگر باخبر شده و این امر به کاهش اصطکاک میان آنها می انجامد. اینگونه تبادلات از برخوردهای خشونت‌آمیز کاسته و از آنجایی که شناخت و درک متقابل استقرار یافته، در صورت بروز اختلاف دو طرف درگیر برای حل اختلاف خود مذاکره خواهند کرد. تجربه منفی گردشگران و افراد بومی در اکثر موارد بدلیل فقدان درک و شناخت فرهنگ‌های یکدیگر است. اگر طرفین قادر باشند احساس نژاد پرستی و برتری دادن فرهنگ خود را کنار گذارند به این تجربیات منفی غلبه یافته و به شاخصهای فرهنگی یکدیگر احترام گذاشته و یاد خواهند گرفت به ارزشهای خود افتخار نمایند.<sup>(۱۶)</sup> گردشگری بواقع می تواند به گسترش دوستی با افراد بومی بیانجامد و گردشگران قادرند از موسسات اجتماعی محلی حمایت و به رشد افتخارات در جوامع مورد بازدید کمک نمایند.<sup>(۱۷)</sup>

## گردشگری و صلح

گردشگری زمانی که بعنوان ۳ عامل الف) عاملی برای جلوگیری از بروز جنگ ب) عاملی برای حذف خشونت ج) عاملی برای رساندن آگاهی جهت بهبود وضع جهان و مسائل مربوط به محیط زیست عمل می کند عملاً در ایجاد صلح مشارکت دارد. این سه عامل توسط دو سطح از عملکرد دیپلماسی بدست خواهد آمد. در این بخش ابتدا نقش هر یک از این سطوح روشن و سپس چگونگی تاثیر گردشگری به صلح تعیین خواهد شد.<sup>(۱۸)</sup>

### ۱. دو سطح دیپلماسی

دو سطح بنیادین در روابط بین الملل وجود دارد که در سال ۱۹۸۱ و در مقاله‌ای توسط ویلیام دی دیوید سون و جوزف وی مونت ویل در مجله فارین پالیسی تحت عنوان

«مسیر اول و مسیر دوم دیپلماسی» از آن تعریف شده است. در مسیر اول که توسط نمایندگان رسمی یک دولت و یا مقامات شبه دولتی هدایت می شود، پیامدهای آن بطور مستقیم روی مردم، منطقه و امور بین الملل و یا سازمان های بین المللی نظیر سازمان ملل متحد آشکار می شود. در مسیر دوم یک کانال غیر رسمی از روابط بین مردم از طریق سازمان های غیر دولتی و بخش های خصوصی و بازرگانان و تجار وجود دارد. صلح زمانی اتفاق می افتد که این دو مسیر بطور موازی و شایسته پیش روند. سه عامل رشد صلح، فرق روشنی میان نقش مسیر اول و دوم دیپلماسی دارند. تصمیم برای جلوگیری و پرهیز از جنگ فقط می تواند توسط مسیر اول دیپلماسی تحقق یابد. جنگ معمولاً توسط دولت های حاکم و شناخته شده بایکدیگر و یا میان دولت ها و چریک ها و یا دولت ها و گروه های تروریستی صورت می گیرد. از طرف دیگر حذف خشونت و نیز آگاهی رساندن برای بهبود اوضاع جهان اقدامات مربوط به حفظ محیط زیست بطور اصولی از طریق مسیر دوم دیپلماسی بهبود می یابد. البته قوانین و مقررات لازم برای کسب عوامل دوم و سوم صلح می توانند توسط دولت ها و یا مسیر اول دیپلماسی تعیین گردند، اما مردم و یا مسیر دوم دیپلماسی عاملین انجام قوانین و مقررات هستند. مهمترین هدف مسیر اول دیپلماسی دفاع از منافع ملی است. آنها باید بدترین نوع از فرضیات را در مورد مقاصد دشمن در نظر گیرند، اما این فرضیات ممکن است واکنش های پی در پی را از تهدیدات، سوءظن ها و خصومتها را بدنبال داشته و در نقطه اوج طرفین را به جنگ وادارد.<sup>(۱۹)</sup>

مسائل جهانی نظیر نابرابری اقتصادی، مشکلات توزیع غذا در سطح جهان، گرم شدن کره زمین و توازن عرضه و تقاضا برای انرژی کماکان لاینحل باقی مانده است. مسیر دوم دیپلماسی می تواند ضمن ایجاد مدلی جدید که از باریکه کوتاه ذهن وابسته به ناسیونالیسم آزاد است ساخته و هم آلترناتیوی از روابط که می تواند از چنین واکنش های تخریب آمیز جلوگیری کند ایجاد نماید.<sup>(۲۰)</sup> بطور خلاصه مسیر اول دیپلماسی بسیار موثر برای کسب صلح منفی است (عدم جنگ)، در حالیکه مسیر دوم دیپلماسی بطور گسترده به صلح مثبت خدمت می کند. گردشگری بنا بر تعاریف ارائه شده، یک حرکت داوطلبانه بجهت انجام تفریح، تفرج و یا امور بازرگانیست. بنابراین، یک گردشگر بسیار به مسیر دوم دیپلماسی نزدیک است و لذا گردشگری می تواند به عنوان وسیله ای برای پرورش مسیر اول دیپلماسی قلمداد شود.

## ۲. گردشگری ابزاری برای عدم ایجاد جنگ

صلح منفی معمولاً با انجام مذاکرات بین دولتها و پیماندهای غیردولتی تحقق می‌یابد. جنگ نتیجه نادیده گرفتن توافقنامه‌ها است. در هر حال، گردشگری همواره نقش خود را بعنوان عاملی برای کمک به تقویت دیپلماسی مسیر اول و روشی برای کاهش تنشهای سیاسی جهت دستیابی به آشتی جوامع از هم دور شده و جلوگیری از بازگشت به وضعیت جنگ ایفا می‌نماید. به عبارت دیگر گردشگری شناخت و درک متقابل، فرصت‌های اقتصادی و روابط بین مردم جوامع مختلف بویژه مردم مناطق درگیر را افزایش می‌دهد که این موارد ابتکار انجام مذاکره برای روابط صلح آمیز را بازگشایی می‌کند. در اینجا به چند نمونه و کاربرد گردشگری بعنوان ابزار دیپلماسی اشاره می‌شود؛ در این نمونه‌ها ما شاهد نتایج مثبت و منفی تاثیر گردشگری در دیپلماسی هستیم؛ البته باید اذعان کرد زمانیکه از این ابزار در جهت نادرست و مغایر با ذات پدیده گردشگری استفاده شود نتایج منفی بدست خواهد آمد که یکی از همین نتایج منفی را می‌توان در پروژه موسوم به **تور ام تی کومگانگ**<sup>(۲۱)</sup> مشاهده کرد. پروژه مذکور نقش گردشگری برای بهبود روابط کره شمالی و جنوبی در شبه جزیره کره را در سال ۱۹۹۸ مورد آزمایش قرار داد. هرچند دولتهای دو کره هدف سیاسی یکسانی برای اتحاد شبه جزیره را دنبال می‌نمودند اما دیدگاههای کاملاً متفاوتی نسبت به این موضوع داشتند. کره شمالی تعریف صلح از طریق گردشگری را به معنای صلح و ایدئولوژی به کار می‌گرفت.<sup>(۲۲)</sup> کره جنوبی هم قصد رسیدن به اهداف خود از روشهای دیپلماتیکی با بهره‌گیری از رشد اقتصادی در منطقه بود. پروژه مذکور ابتدا در سال ۱۹۹۸ زمانیکه کیم دانه جونگ رئیس جمهور کره جنوبی تصمیم به نزدیکی به کره شمالی گرفت تحقق یافت. دولت وی تاکید زیادی به جدائی سیاست از تجارت و بازرگانی با هدف ذوب شدن یخ روابط با کره شمالی را می‌نمود. کره شمالی هم با این پروژه با توجه به اینکه توسط گروه شرکت هیوندای دنبال و خارج از دخالت مستقیم دولت کره جنوبی قرار داشت موافقت کرده بود. پروژه در ابتدا از طرف بسیاری از مردم کره جنوبی بعنوان یک اقدام موثر برای کاهش تنش بین دو کره مورد استقبال قرار گرفت اما بلافاصله با انتقاد زیادی همراه شد. دولت کره شمالی تخاصم و دشمنی خود با کره جنوبی را همچنان باز نگه داشته بود بطوریکه موشک تائپه دونگ ۱ با قابلیت های هسته ای را مورد آزمایش قرارداد، کشتیها و زیردریایهای کره جنوبی را شدیداً در آبهای این کشور مورد جاسوسی قرار می‌داد و در عین حال هیچ محدودیتی هم برای استفاده از درآمدهای پروژه

ام‌تی‌کومگانگ برای کره شمالی وجود نداشت و لذا کره شمالی به استفاده از عایدات این پروژه برای استفاده در امور نظامی مورد سوءظن قرار گرفت. در چنین شرایطی، بسیاری از اهالی کره جنوبی بر این باور بودند که پروژه مذکور تنها هیچ کمکی به توسعه صلح در منطقه ننموده است بلکه به کره شمالی این امکان را داده که بخشی از هزینه‌های نظامی خود را از این طریق تامین نماید. حتی مشکل بزرگتری برای بخش گردشگری اتفاق افتاد، به این معنی که پروژه ام‌تی‌کومگانگ بطور کامل بوسیله دولت کره شمالی تحت کنترل قرار گرفت. گردشگران بدون شک تصمیم داوطلبانه‌ای برای پیوستن به این تور گردشگری داشتند، اما مشکل این بود که آنها هیچ شانس دیگری به جز هدایت سرسختانه امور توسط دولت کره شمالی در طی سفر نداشتند، و حتی امکان دیدار با یک شهروند عادی کره شمالی برای آنها میسر نبود. اگرچه گردشگران کره جنوبی بواقع از کره شمالی بازدید می‌کردند اما هیچ نقطه تلاقی ویا برخوردی از اهالی دو کره وجود نداشت. هرچند **کیم و کرومپتون** بر این فرض بودند که گردشگری روشی غیر سیاسی از آزمایش ابتکار تهدید زدائی در روابط قفل شده می‌باشد و به ایجاد فضایی که می‌تواند به مذاکرات سیاسی رسمی کمک کند می‌انجامد،<sup>(۲۳)</sup> لیکن در مورد پروژه ام‌تی‌کومگانگ چنین فرضیه‌ای عمل نکرد.

### معرفی موارد موفق از تاثیر گردشگری در ایجاد صلح

حتی زمانیکه صلح منفی با اعلام آتش بس سیاسی بدست می‌آید، مردم در مناطق بحرانی لحظه‌ای نیست که این احساس مطلوب صلح و توقف درگیری که در محل حاکم می‌شود را لمس نکنند. آنها بیشتر حس بی‌طرفی اما اضطراب دارند و علیرغم اینکه خشونت را متوقف کرده‌اند اما نسبت به یکدیگر سوءظن دارند. اگر برنده ویا بازنده ملموسی در منازعات وجود ندارد ویا منافع و مرزها بطور نادرست تعریف شده‌اند لیکن صلح در اینجا صرفاً عاملی برای آغاز گفتگوها و مذاکرات دشوار خواهد بود. گردشگری غالباً بعنوان نیرویی برای پرورش عدالت در جامعه و ایجاد آشتی در میان جوامع از هم گسیخته محسوب می‌شود.<sup>(۲۴)</sup>

در ایرلند شمالی، پس از سالهای ۱۹۶۰ دوره خشونت‌ها باراهپیمایی موسوم به حقوق مدنی آغاز واز آن زمان سطح نسبتاً کوچکی از خشونت‌ها در جامعه شکل گرفت.

درسالهای ۱۹۹۴ و ۱۹۹۶ مذاکراتی برای پایان خشونت‌ها درغالب سیاسی انجام لیکن سوءظنهای موجود میان جمهوریخواهان و ملی گراها کماکان از بین نرفت و درگیری‌ها کماکان وجود دارد ، اما نشانه های مثبتی از آشتی که بوسیله توسعه گردشگری حاصل گردیده دیده می شود . NITB هیئت گردشگری ایرلند شمالی مامور تاسیس سازمان حمایت از گردشگری جهت گسترش فرصت ارتباطات شد و یکی از پروژه های موفقیت آمیز درموزه برج درمنطقه دری پیاده شد . با وارد کردن جماعات مختلف دراین پروژه ، طرفین دعوا درک متقابلی نسبت به یکدیگر پیدا کرده واعتماد دو جانبه افزایش و لذا روابط آنها تقویت گردید . این پروژه بسیار مثمر ثمر واقع شد و به هر طرف کمک کرد که سوءظن و بی اعتمادی را رها کرده وآشتی را که بین مقامات بلند پایه از طریق ایجاد موافقتنامه بدست نیامده بود ارتقاء بدهند .

یکی دیگر از موارد مطلوب تأثیر گردشگری بر ایجاد آشتی مربوط به گردشگران تایوانی در بازدید از چین است ،عبورگردشگران از میان تنگه تایوان سکوت چندین ساله را شکست وباعث ایجاد گفتگو درسطح اول دیپلماسی میان چین وتایوان شد . نزدیک به ۳۰ سال بعد از استقرار تایوان که همواره مورد تهدید چین برای تسخیر بوده اوضاع متشنج این دوکشور نسبتاً بهترشد<sup>(۲۵)</sup> واما شعارحمله متقابل تایوان به چین بتدریج کاهش وروابط عبور از تنگه به شکل مسالمت آمیز ظاهر شد . دراواخر سال ۱۹۷۰ چین از آزاد کردن تایوان بوسیله نیروهای نظامی منصرف وبشکل جدی بدنبال پیدا کردن راهحلی برای اتحاد باتایوان برآمد . دو دولت بتدریج محدودیت های مربوط به انجام مذاکره برای اتحاد را درسال ۱۹۸۰ از جلوی راه خود را برداشتند وبسیاری از تایوانی‌ها بطور آرام سرزمین اصلی (چین) و از طریق یک کشور ثالث بازدید می کردند، در این میان مقامات مرزی چین ضمن موافقت خاموش با این اقدام تایوانیها به گذرنامه‌های آنها درمبادی ورودی وخروجی مهرنمی زدند . درسال ۱۹۸۷ تایوان تصمیم گرفت ممنوعیت سفرتایوانیها به چین بمنظور دیدار با بستگان و خویشاوندان را بردارد<sup>(۲۶)</sup> و درنتیجه کاروان بازدیدکنندگان تایوانی به چین افزایش یافت وباعث ایجاد ارتباط بین مردم دو طرف پس از سالها جدائی وتخاصم صورت شد . چین هم بتدریج به شهروندان خود اجازه بازدید از تایوان را داد . درسال ۱۹۹۳ اولین میزگرد از مقامات و سازمانهای نیمه رسمی دوکشوردرنتیجه رشد گردشگری برگزار شد . این نمونه دیگری از آشتی وهمکاریهای محدود بین دودولت درنتیجه احیای گردشگری بین دوکشور بود.

پروژه موسوم به ام تی . کومگانگ بطور روشن یک مورد شکست خورده بود که نه تنها موجب سودآوری اقتصادی برای کره شمالی نشد بلکه باعث تشدید بی‌اعتمادی و سوءظن شد . به مردم کره جنوبی به هیچ عنوان اجازه برقراری ارتباط با مردم عادی کره شمالی داده نشد و گردشگران کره جنوبی حتی بشکل محدود هم نمی توانستند بطورشخصی به گردشگری بپردازند . از طرفی گردشگری تحت پروژه کومگانگ یک طرفه بود و هیچ فردی از کره شمالی حق دیدن از کره جنوبی را نداشت . اما در نمونه ها ی عنوان شده دیگر ، مردم بطور خودجوش و آزادانه عمل نمودند و توانستند با یکدیگر ارتباط برقرار کنند که این باعث درک متقابل یکی از دیگری شد . پروژه ام تی کومگانگ بطور کامل تحت کنترل دولت کره شمالی قرارداشت و این کنترل موجب حذف همه فرصتهای ارتباطی بین مردم دو جامعه شده بود . این مقایسه نشان می‌دهد، گردشگری دخالت زیادی درسیاست و روابط بین‌الملل دارد. دولت‌ها می توانند از گردشگری بعنوان اهرم سیاسی یا برای توسعه ودوستی استفاده کنند و یا با محدود ساختن آن و کنترل حرکت گردشگران به جلوگیری از ارتباطات مردمی گردشگران و تخاصم بیشتر بپردازند.<sup>(۲۷)</sup>

### روش خاص گردشگری برای ایجاد تغییرات مثبت

مخالفت‌هایی با این نظریه که گردشگری می‌تواند یک نیروی احیاگر برای صلح باشد دیده شده است . این شاید بدلیل فقدان یک پژوهش تجربی برای اثبات این نظریه است . گردشگری بعنوان اساسی‌ترین سطح از دیپلماسی دوم با پراکندن اطلاعات در مورد عقاید ، فرهنگ و سیاست شهروندان یک کشور به شهروندان کشور دیگر عمل می‌کند.<sup>(۲۸)</sup> از نظر روانشناسی جامعه، فرض براین است که ارتباط میان افراد گروه‌های مختلف موجب افزایش درک و کاهش تبعیضات و تعصبات میان گروهی شده و رفتارهای منفی گرایانه برخی از بومیان را بهبود و احساس با یکدیگر بودن را استحکام می بخشد. البته اغراق آمیز است اگر کسی اذعان کند که گردشگری تنها نیرویی است که باعث افزایش هماهنگی در روابط و فهم متقابل در سراسر جهان است . اما با توجه به طبیعت گردشگر ، این موضوع کم و بیش بعنوان پیامد مثبتی بر جوامع سایه خواهد انداخت و لذا گردشگری بعنوان عاملی برای تغییرات اجتماعی همواره مورد نظر بوده است.

### نتیجه‌گیری

گردشگری خواست داوطلبانه افراد در آنسوی مرزهای فرهنگی می‌باشد، تجربه‌ای که کم و بیش با زندگی عادی متفاوت است. قدر مسلم چنین پدیده‌ای دارای پیامدهایی برجریان زندگی گردشگر و افراد ساکن مقصد گردشگری و فضای پیرامون آنها خواهد داشت. جهانگردی بعضی مواقع عاملی سیاسی برای ایجاد ارتباط میان کشورها است؛ نمونه‌های عنوان شده از توسعه گردشگری نشان داد که این پدیده می‌تواند به بهبود روابط و بازگشت آن در صورتیکه مورد کنترل شدید و یا سوءاستفاده قرار نگیرد کمک نماید. توسعه گردشگری و یا جهانگردی بر این فرض بنا شده که به ایجاد ارتباط از طرفی بین مردم میان یکدیگر و از طرف دیگر بین مردم و محیط می‌انجامد و چنین فرضیه‌ای بطور مستقیم با بحث صلح ارتباط پیدا می‌کند. در بحث گردشگری اگر به همان شکل تعریف شده آن عمل شود نهایتاً به ایجاد صلح سوق پیدا می‌کند. گردشگران با مردم زیاد و مختلفی روبرو شده و لذا فرهنگ و سنتهای گوناگونی را از نزدیک مشاهده می‌کنند. دست اندرکاران بخش گردشگری نیز می‌توانند از همه افراد یک گردشگر و بازدیدکننده بسازند و در چنین شرایطی همه مردم در دراز مدت به ابعاد وسیعی از احترام به سنت‌ها و ارزشهای یکدیگر خواهند رسید و لذا روابط بین جماعات از فرهنگهای گوناگون بهبود پیدا خواهد کرد.

### فهرست منابع

1. Lowry, L L. (1994), 'What is travel and tourism and is there a difference between them: A continuing discussion', *New England Journal of Travel and Tourism*, vol.5, 1994, pp.28-29.
2. Lowry, L L., *op. cit.*
3. Gunn, C.A., *Tourism planning: Basics, concepts, cases, 3rd edition* (Washington D.C.: Taylor & Francis, 1994), p.4.
4. Davidson, T.L., 'What are travel and tourism: are they really an industry?', in: Theobald, W.F.(ed.), *Global Tourism 2nd edition* (London: Butterworth-Heinemann, 1998), pp.22-28, p.2617
5. Davidson, T.L. (1998), *op. cit.*, p.26.
6. *Ibd.*, p.22. / Davidson, T.L. (1998), *op. cit.*, p.26.
7. Millman, R. (1991), 'Is tourism good for development?', in: Slater, F., *Societies, Choices and Environment: Issues and Enquiries*, (London, Collins Educational), p.229.
8. Lea, J. (1998), *Tourism and Development in the Third World* (New York: Routledge), p.1

9. Var, T. and Ap, J. (1998), *op.cit.*
10. Stynes, D.J.(2004), 'Economic Impacts of Tourism', Michigan State University Website,  
<http://www.msu.edu/course/prr/840/econimpact/pdf/ecimpvol1.pdf>, pp.4-6.
11. Archer, B. and Cooper, C. (1998), *op cit.*, p.66.
12. According to the WTO, tourism supports some 7% of the world's workers.
13. Pearce, P.L (1998). 'The relationship between residents and tourists: the research literature and management directions'. In: Theobald, W.F.(ed.), *Global Tourism 2nd edition* (London: Butterworth-Heinemann, 1998), Ch.8., p.137.
14. Millman, R., *op. cit.*, p.240.
15. Besculides, A., Lee, M.E. and McCormick, P.J. (2002), 'Residents Perception of the Cultural Benefits of Tourism', *Annals of Tourism Research*, Vol. 29, No. 2, p.306.
16. Smith, V.L. (1997), 'Introduction to Hosts and Guests: The Anthropology of Tourism (2nd Edition)'. In: France, L. (ed.), *The Earthscan Reader in Sustainable Tourism* (London: Earthscan), p.132.
17. Pearce, P.L. (1998), *op.cit.*, p.137.
18. Davidson, T.L. (1998), *op. cit.*, p.26.
19. D'Amore, L.(1988a), *op.cit.*, p.153.
20. *Ibid.*, p.153.
21. Kim, S.S. and Prideaux, B., 'Tourism, peace and ideology: impacts of the Mt.Gumgang tour project in the Korean Peninsula', *Tourism Management*, Vol.24 (2003), p.676
22. *impacts of the Mt.Gumgang tour project in the Korean Peninsula*, *Tourism Management*, Vol.24(2003), p.676.
23. Kim, Y.K. and Crompton, J.L., (1990) 'Role of tourism in unifying the two Koreas', *Annals of Tourism Research*, Vol.17, Issue 3, p.353.
24. Higgins-Desbiolles, F. (2003), *op.cit.*, p.35.
25. Hickey, Dennis Van Vranken (1998), *Taiwan's Security in the Changing International System*, (London, Lynne Rienner Publishers), p.8.
26. Yu, L. (1997)'Travel Between Politically Divided China and Taiwan', *Asia Pacific*

*Journal of Tourism Research* (May,1997).

[http://www.hotel-](http://www.hotel-online.com/Neo/Trends/AsiaPacificJournal/TravelBetweenChinaAndTaiwan_1997.html)

[online.com/Neo/Trends/AsiaPacificJournal/TravelBetweenChinaAndTaiwan\\_1997.html](http://www.hotel-online.com/Neo/Trends/AsiaPacificJournal/TravelBetweenChinaAndTaiwan_1997.html).

27. Richter, L.K.(1989), *The politics of tourism in Asia*, (Honolulu: University of Hawaii Press), p.77

28. D'Amore, L.(1988b), 'Tourism – The World's Peace Industry', *Journal of Travel Research*, Vol.27, No.1, p.38.